

بسم الله الرحمن الرحيم

نکاتی از سخن‌رانی پنج‌شنبه، ۱۰ اسفند ۱۳۹۶

آیه مورد بحث

«مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»

خطر بزرگ انحراف پس از ایمان

یکی از نکات بسیار ظریف ایمانی در این آیه کریمه از سوره‌ی مبارکه‌ی نحل ذکر شده است. در این آیه‌ی کریمه خدای متعال تفاوت بین دو انسان را نشان می‌دهد. فرد اول انسانی است که گمراه بوده و برای اولین بار هدایت شده است. فرد دوم انسانی است که بین متدینین و مؤمنین بوده، و خدای متعال ابتدائاً واقعیت‌ها را به او نشان داده است، اما این فرد به مواعظ و نصیحت‌های الهی اعتنا نکرده، و خواسته‌های نفسانی خود را بر آن واقعیت‌ها ترجیح داده است.

بسیاری از انسان‌ها با دوره‌ی‌هایی در زندگی خود مواجه می‌شوند، که یک راه طلب رضای خدای متعال و چشم‌پوشی از لذایذ حیوانی و دنیوی، و راه دیگر نادیده گرفتن هدایت‌های الهی و به دنبال دنیا و لذت‌های دنیوی رفتن است. این آیه کریمه مقدار گمراه بودن و ضلالت دو انسان را با هم مقایسه می‌کند. فرد اول، کسی است که نادان بوده و اطلاعی از مواعظ الهیه نداشته، و در مجالس اسلامی شرکت نمی‌کرده، و پند و موعظه و نصیحت و تفسیر و اخلاقیات به گوش او نخورده است. انسان دوم شخصی است که زمانی در مسیر تدین حرکت می‌کرده، اما راه راست را ترک کرده و وارد راه‌های انحرافی شده و دنیا را بر آخرت و رضای شیطان را بر رضای حق تعالی ترجیح داده است. بنابر آیه‌ی کریمه، غلظت گمراهی نفر دوم بسیار بیشتر از نفر اول است.

در این آیه این گروه از انسان‌ها تهدید شده‌اند که عذاب بزرگ و غضب حق تعالی شامل حال آن‌ها می‌شود، زیرا خدای متعال معنویت و شیرینی آن را به این افراد چشانده است، اما آن‌ها این معنویت و توجه حق تعالی و نعمت او را زیر پا گذاشته و به دنبال خواسته‌های نفس و حیوانیت خود رفته‌اند. این وضعیت برای انسان‌های گمراه ابتدایی وجود ندارد. خدای متعال گفتاری بر خلاف واقع ندارد و این‌که این گروه مشمول غضب حق تعالی و عذاب بزرگ هستند، یک واقعیت است.

شیطان به انسان متدین که در مسیر صحیح قرار دارد چنین می‌گوید: حال که جوانی، طبق خواسته‌های خود عمل کن؛ پس از رسیدن به سن پیری توبه خواهی کرد. در حالی که انسانی که مجلس موعظه و پند و تفسیر، و مجلس مطالب معنوی را بر اموری مانند تلویزیون تماشا کردن ترجیح می‌داده، ابتدائاً مشمول عنایت حق تعالی قرار گرفته، و خدای متعال حلاوت و شیرینی ارتباط با خود را به ذائقه‌ی روح او چشانده است. اگر این انسان چند لحظه لذت‌های مادی و حیوانی را بر حلاوت و شیرینی‌های معنوی ترجیح دهد، هم در دنیا و هم در آخرت مجازات

شدیدی خواهد شد. بی‌توجهی به این آیات کریمه به معنای عدم توجه دل به صداهای الهی و عدم حفظ خود از صداهای شیطانی است.

تفاوت بسیار زیاد نعمت‌های دنیایی با نعمت‌های آخرتی

بعضی از افراد می‌گویند: ((سیلی نقد به از حلوای نسیه)) است. در حالی که تحقق وعده‌های حق تعالی نسبت به مؤمنین و متدینین که آخرت خوبی دارند، و بهره‌مندی آن‌ها از لذایذ در قیامت به گونه‌ای است که آرزو می‌کنند که از لذت‌های دنیایی بهره‌ای نمی‌بردند و در ازای آن از لذت‌های بی‌پایان آخرتی بهره‌مند می‌شدند. گاهی از اوقات بعضی افراد متدین به چیزی احتیاج دارند و برای رسیدن به آن، از صمیم قلب دعا می‌کنند، اما خدای متعال بر حسب ظاهر در دنیا حاجت آن‌ها را برآورده نمی‌کند. این انسان اگر عاقل باشد، و خود را از دین خدای متعال و کتاب او و فرمایشات معصومین صلوات‌الله‌علیهم جدا نکرده باشد، با حق تعالی قهر نمی‌کند، و از این مسیر خارج نمی‌شود.

انسان با شعور می‌فهمد که چه مقدار حق تعالی به او عنایت کرده است. خدای متعال به رسول بزرگوارش حضرت موسی سلام‌الله‌علیه فرمود: "یا مُوسى أَشْکُرْ نِعْمائى"، آن حضرت لحظه‌ای از حق تعالی فرصت گرفت و فکر کرد که نعمت‌های خدای متعال را بشمرد، سپس شکر آن‌ها را به جا آورد. بعد از لحظاتی برگشت و به حق تعالی عرض کرد: خدایا من نتوانستم نعمت‌های تو را شماره کنم تا بعد از آن، شکرگزار آن نعمت‌ها باشم. خطاب رسید: "یا مُوسى اَلانَ شَکَرْتَ نِعْمائى". اکنون که از شمارش نعمت‌های من اظهار عجز و ناتوانی کردی، شکر نعمت‌های من را به جا آوردی.

ما هم بنده‌ی مقصر گناه‌کار حق تعالی هستیم و شاید آن‌گونه که خدای متعال شرایط را برای ما فراهم کرده است، در انجام وظایف و اطاعت او عمل نکرده و کوتاهی کرده باشیم. منظور از کوتاهی این نیست که ما مستقیماً به حق تعالی عرض کنیم که فرمایشات تو را الان در دوران جوانی انجام نمی‌دهیم و این اطاعت را به دوران پیری موکول می‌کنیم. بلکه شیطان در گوش ما می‌گوید: الان جوان هستی و مانعی ندارد که لذت دنیایی هم ببری؛ خدای متعال این نعمت‌ها را برای تو خلق کرده است؛ و به عنوان مثال استفاده کامل از غذاهای لذیذ و حلال در سفره رنگینی که صاحب مجلس پهن کرده است مانعی ندارد.

اما امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه فرمودند: در مباحات نفس خود را ریاضت بدهید. اگر انسان در مباحات نفس خود را آزاد بگذارد، برای کنترل نفس در محرمات نیاز به صرف نیرو و انرژی بیش‌تری دارد. ولی وقتی که انسان نفس خود را در مباحات ریاضت داد، و آن را مؤدب کرد، کنترل آن آسان‌تر می‌شود، همان‌گونه که کنترل یک اسب آموزش داده شده، با اسب خالی از آموزش متفاوت است. انسان بی‌ادب با انسان باادب فرق دارد. بندگی حق تعالی هم ادب خاص خود را دارد. چنین نیست که ما همواره تمایل به نماز خواندن داشته باشیم؛ یا همواره خواست قلبی ما این باشد که زبان و گفتار خود را کنترل کنیم. شاید در مواردی هم انسان دوست داشته باشد از دیگران بدگویی کند و تا آن مطالب را به زبان نیورد احساس سبکی و آسودگی نکند. برخی انسان‌ها این‌گونه اسیر شیطان هستند و اختیاری از خود ندارند.

عدم گله‌گذاری از حق تعالی، از ویژگی‌های بندگی

مالک غلامی به نام ایاز به پول احتیاج پیدا کرد. ایاز به مالک خود گفت: من را به بازار برده‌فروش‌ها ببر و بفروش. مالک او گفت: تو هنری نداری و در هیچ صنعتی ماهر نیستی. ایاز گفت: اگر از تو سؤال کردند مهارت این غلام

پنج‌شنبه، ۱۰ اسفند ۱۳۹۶

چیست بگو بندگی بلد است. هنگامی که یک خریدار این جواب را شنید منظور را نفهمید و به سلطان زمان مطلب را منتقل کرد. سلطان که انسان فهمیده‌ای بود، فوری به او پول داد که این غلام را بخرد و بیاورد. سلطان به عوامل خود دستور داد، که این غلام را بدون این که تقصیری کرده باشد شلاق بزنند. چند شلاق به بدن او زدند، اما غلام هیچ نگفت و ناله‌ای نکرد. سلطان از او پرسید: چرا فریاد نمی‌زنی، مگر درد ندارد؟ غلام گفت چرا درد دارد، اما چون شما من را خریده‌اید و مالک من شده‌اید، بدون اجازه شما ناله هم نمی‌کنم. سلطان فهمید که چنین غلامی را بسیار ارزان خریده است.

چند بنده حق تعالی وجود دارد، که وقتی با مشکلاتی روبرو می‌شود، ناله نمی‌کند و آن را تقدیر حق تعالی می‌داند و باور دارد که چون مالک او خدای متعال است و قادر مطلق او است، هیچ واقعه‌ای بدون اذن او رخ نمی‌دهد و لذا دلیلی برای ناله کردن وجود ندارد. ناله کردن یک نوع گله‌گذاری از کسی است که این برنامه را برای فرد تنظیم کرده است. ناراحتی‌ها، مشکلات و دردهای دنیایی به اراده‌ی حق تعالی به وجود می‌آید. آیا گله کردن از مولی‌الموالی عقلاً جایز است؟

گله‌گذاری از غیر حق تعالی و غیر معصوم ممکن است زیرا امکان کوتاهی از طرف مقابل وجود دارد، اما گله کردن از معصوم توجیهی ندارد. اگر انسان مثلاً در مسافرت احتیاط‌های لازم را کرد و ناراحتی و مشکلی برای او به وجود آمد باید آن را مقدر بدانند و گله نکنند. سلطان آن زمان از ایاز نام او را پرسید. ایاز جواب داد: هنوز شما برای من اسم نگذاشته‌اید. سلطان نام قبلی او را سوال کرد. او گفت: در گذشته ایاز نام داشتم. این ادب بندگی است.

این مطالب اخلاقی در رساله‌ی توضیح‌المسائل نوشته نمی‌شود. بعضی اشتباه کرده‌اند و در کتاب‌های خود نوشته‌اند که انسان عامی بیش از یک توضیح‌المسائل برای سعادت خود لازم ندارد، و اگر به آن عمل کند در قیامت همنشین حضرت سلمان سلام‌الله‌علیه خواهد بود. حتماً این‌گونه نیست. اخلاقیاتی که از ائمه‌ی طاهرین صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین وارد شده است و یک مسئله‌ی فقهی هم در آن نیست و توسط بزرگان و علما برای شیعیان بیان می‌شود مطالب زائدی نیست.

ضرورت شکرگزاری و تشکر از حق تعالی

حق تعالی مولی‌الموالی جل‌شأنه که منعم علی‌الاطلاق است با این همه از نعمت‌ها که به ما عطا کرده، نیازی به تشکر ما ندارد، اما اگر ما بخواهیم بنده‌ی با ادبی باشیم، باید تشکر کنیم. هرچند که تشکر کردن هم بدون عنایت و لطف او ممکن نیست. حق تعالی پس از بیدار شدن از خواب تشکر زبانی بر زبانم جاری می‌کند، و به دستم توفیق می‌دهد، که مهر را بردارم، و سه مرتبه شکرماً شکرماً شکرماً بگویم. انسان باید با بصیرت خود الطاف حق تعالی را ببیند. اگر در یکی از مجالس معنوی و الهی شرکت کرد، به محض ورود از این که زنده مانده و به آن مجلس رسیده، از حق تعالی تشکر کند. زیرا ممکن بود در همان زمان در مجلس دیگری حضور داشت که از یاد خدای متعال غفلت پیدا می‌کرد. شاید انسان عادت کرده باشد و در مجالسی حضور پیدا کند و شکر هم نکند. اگر جایی رفتیم که مثبت است، و معتقدیم که خدای متعال و ولی او حضرت بقیه‌الله اروح‌ناله‌الفدا راضی است، آیا نباید شکر الهی را به جا آوریم؟ اگر شکرماً لله بگوییم، خدای متعال توفیق ما را بیش‌تر می‌کند. توجه داشته باشیم که اگر حرکتی از ما صادر شد که مثبت و مورد رضای حق تعالی بود، از او تشکر کنیم. بسیاری از انسان‌ها تمام عمر خود را به غفلت می‌گذرانند.

یک نکته که از این آیه‌ی شریفه برداشت می‌شود این است که بدانیم نادانی ما قبل از هدایت و راهنمایی، برای ما چندان گران تمام نمی‌شود. اما انحراف بعد از هدایت چنین نیست. اگر بعد از هدایت اول که ایمان است، خدای

پنج‌شنبه، ۱۰ اسفند ۱۳۹۶

متعال بنده را از هدایت دوم برخوردار کرد و لوازم ایمان هم در عمل از او صادر شد، یعنی به مقتضیات ایمان خود عمل کرد، شایسته است که شکر اضافی به جا آورد.

یکی از اموری که غفلت را از بین می‌برد شکر نعمت‌های حق تعالی است. انسان تصمیم بگیرد برای هر موردی که تشخیص داد نعمت الهی است در دل خود یا آهسته با زبان خود شکر کند. تصادف در دستگاه خدای متعال وجود ندارد. گاهی از اوقات انسان به یک نکته‌ی علمی منتقل می‌شود که انتظار آن را نداشته است. این فهمیدن، عنایت حق تعالی به قلب ما است و نیاز به شکر دارد. این آگاهی‌ها نعمت است، و شکر نعمت عقلاً لازم است، و اگر شکر نکنیم و با غفلت کفران نعمت کنیم، و نعمت‌های حق تعالی را در موارد غفلت از ذکر و یاد او مصرف کنیم، خدای متعال آن‌ها را از انسان می‌گیرد. آنگاه مصداق همین آیه کریمه می‌شود و از سوی حق تعالی مورد غضب قرار می‌گیرد و عذاب عظیم برای او وجود دارد.

هماهنگی کامل عملکرد انبیاء و اولیاء سلام‌الله‌علیهم با رضای حق تعالی

عملکرد انبیاء و اولیاء سلام‌الله‌علیهم اجمعی ناشی از جوش احساسات و برخورد فراتر از عقل با بعضی از موضوعات نبود. چنین تصویری در مورد آن بزرگواران دلیل بر بی‌ایمانی و بی‌معرفتی ما نسبت به ایشان است. هر چه آن بزرگان از جان، از فرزندان و از راحتی خود مصرف کرده‌اند، همه به جا بوده است.

فداکاری صدیقه کبری سلام‌الله‌علیها برای حجت زمان خود ناشی از عاطفه‌ی خیلی شدید نبود. هر نفسی که ایشان می‌کشید و هر قدمی که برمی‌داشت با یقین به این بود که این نفس و این قدم مورد رضای خدای متعال است. به حسب ظاهر در خانه‌ای آن بزرگوار چهار کودک حضور داشتند. آن بزرگواران از اولیای خدا بودند و آن مادر بزرگوار هم کلاس درس برگزار می‌کرد که در راه خدا چه باید کرد. اگر گفته شود که شما می‌توانید هم در دنیا بهترین لذت‌های مادی را داشته باشید و هم در قیامت همنشین حضرت سلمان سلام‌الله‌علیه بشوید، یا دین نداشته‌اند و عمداً دروغ گفته‌اند، یا خواسته‌اند ما را فریب دهند. دنیا برای آخرت خلق شده است. لذا برای آخرت خلق شده است. قوای جسمانی برای آخرت خلق شده است. نباید انسان از چارچوب دین خارج شود، غفلت انسان را هلاک می‌کند، و ذکر و یاد حق تعالی انسان را به درجات بسیار عالی می‌رساند.

یکی از شاگردان صدیقه کبری سلام‌الله‌علیها دختر بزرگوار ایشان حضرت زینب سلام‌الله‌علیها بود. ایشان تمام آن درس‌ها، یعنی تمام سرمایه‌ی خدادادی را صرف طلب رضای حق تعالی کرد و در سفر برادر بزرگوارش به عراق و کربلا بیش‌تر یاد گرفت. تمام فرمایشات نقل شده از ابی‌عبدالله صلوات‌الله‌علیه در آن سفر طولانی یک دانشگاه در درجه‌ی اول برای افراد خاندان خود و سپس برای اصحاب بود. در بین بانوان اول کسی که تالی‌تلو معصوم صلوات‌الله‌علیهم بود حضرت زینب سلام‌الله‌علیها بود که همه مطالب را فراگرفت و در شب عاشورا کم‌بوده‌ایی هم که امکان داشت که از برادر نشنیده و حضرت نفرموده باشد، تکمیل کرد. در این خانواده کودک سه ساله و چهار ساله از یک انسان بیست‌وپنج ساله بیش‌تر و بهتر می‌فهمد و بهتر اجرا می‌کند. آن خانم بزرگوار در کوفه بهتر از صدها رسانه تبلیغ کرد و صدای گریه و ناله از همه‌ی اهل کوفه بلند شد.